

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح‌نامه کرسی ترویجی با عنوان

«امت ایران؛ بازشناسی جامعه سیاسی زیربنای حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»

دکتر حامد نیکونهاد^۱

استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم

حقوق اساسی بر مدار جامعه سیاسی می‌چرخد. اساساً در بستر جامعه سیاسی، حقوق اساسی شکل می‌گیرد و حقوق اساسی در صدد تمشیت جامعه سیاسی با اصول حقوقی است. از این رو باید جامعه سیاسی را به‌درستی شناخت تا حقوق اساسی متناظر با آن و مؤلفه‌های آن را به‌خوبی یافت و ارزیابی نمود.

ملت، نمایانگر بعد انسانی جامعه سیاسی و عنصر جمعیتی دولت‌های مدرن است. حقوق اساسی بر ساخته بر جامعه سیاسی است. شناخت جامعه سیاسی و اوصاف و مؤلفه‌های آن، گام محوری برای شناسایی نظم حقوق اساسی است.

جامعه سیاسی خود متأثر از شرایط محیطی، زمانی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی حاکم است. از این رو، عناصر جامعه سیاسی در جوامع مختلف متفاوت است. بنابراین حقوق اساسی به مثابه نظم‌دهنده جامعه سیاسی با توجه به مؤلفه‌های متغیر یاد شده در جوامع گوناگون متفاوت خواهد بود. در این مجال، در صدد بازشناسی جامعه سیاسی ایران به عنوان بستر شکل‌گیری حقوق اساسی در جمهوری اسلامی بوده‌ایم.

طیف جمعیتی دولت‌ها در نظام‌های سیاسی امروزی، معمولاً با عنوان «ملت» یا «مردم» شناخته می‌شوند. ملت، در رویکردی حقوقی و سیاسی آن گروه انسانی است که اعضای آن در اثر عوامل پیونددهنده‌ی مادی و معنوی به یکدیگر وابسته شوند و نسبت به جماعت احساس تعلق کنند و سرنوشت خود را با سایر اعضا یکی بدانند. ملت نمایانگر بعد انسانی جامعه سیاسی و عنصر جمعیتی دولت‌های مدرن است و رابطه

^۱ - hamednikoonahad@gmail.com

تنگاتنگی با مقوله تابعیت دارد. از این رو محور بحث در بعد جمعیتی در حقوق اساسی کنونی همانا ملت است. عنصر جمعیت به مثابه یکی از ارکان دولت‌های ملی امروزی بر پایه مفهوم هویت ملی شکل می‌گیرد. ملت عبارت از جمعیتی از افراد بشر است که پیوندی مادی و معنوی آنها را به هم پیوسته و به زندگی مشترک در سرزمینی معین واداشته است. به عبارت دیگر، جمعیتی که با نوعی رابطه سیاسی و حقوقی (مادی و معنوی) در نظام واحدی زندگی می‌کنند ملت نامیده می‌شوند. همین پیوند و رابطه سیاسی است که از بعد سیاسی افراد و جمعیت را به دولت مرتبط می‌سازد و از بعد حقوقی پایه تابعیت قرار می‌گیرد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اشاره به عنصر جمعیت (ایرانیان)، اغلب از واژه «مردم» و «ملت» بهره گرفته شده است.^۲ در مقابل این واژگان مانوس و نام آشنا در حقوق اساسی، واژه «امت» نیز چندین بار به کار رفته است. در مقدمه و اصول گوناگون قانون اساسی در کنار واژه شناخته شده «ملت» در ادبیات حقوق اساسی، از دانش‌واژه «امت» برای اشاره به طیف جمعیتی استفاده شده است. البته به نظر می‌رسد که «امت» در همه کاربردها، به یک معنا نباشد.

با توجه به قرینه «در جمهوری اسلامی» در متن اصل ۵ و با عنایت به اینکه امام امت و ولی امر موضوع این اصل، همان رهبری دانسته شده که به موجب اصل ۱۰۷ از سوی خبرگان منتخب مردم ایران انتخاب می‌شود و با توجه به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی اصولاً برای جامعه سیاسی ایران (ملت ایران و نسل‌های بعدی آن) تدوین و تصویب شده و به تأیید ملت ایران رسیده، به نظر می‌رسد مراد از «امت» در این اصل همان «ملت ایران» است که با دو مؤلفه «اکثریت قاطع مسلمان» و «رهبری مکتبی» قوام می‌یابد. اصل ۵۷ که قوای سه‌گانه را ذیل رهبر، به عنوان مرکز ثقل حکومت و به مثابه یک «نهاد مستقر» در جمهوری اسلامی

۲- علاوه بر مقدمه قانون اساسی، در برخی از اصول قانون اساسی از واژه «مردم» (مانند بندهای ۸ و ۱۵ از اصل ۳، اصل ۸، اصل ۱۵، ۱۹، ۵۸، ۵۹، ۶۷، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۷۳) و در برخی از اصول از واژه «ملت» (مانند اصول ۱، ۹، ۲۰، ۳۰، ۳۴، ۵۶، ۶۲، ۸۴، ۱۲۱، ۱۲۲) برای اشاره به جامعه ایران و عنصر جمعیتی استفاده شده است که البته تفاوت خاصی از نظر دایره شمول آنها به نظر نمی‌رسد. این دو واژه در برخی از اصول همچون ۶۷ و ۱۲۱ به صورت متناوب و به جای یکدیگر به کار رفته‌اند که نشان از یکسانی مفهوم و مصداق آنها دارد. البته در مقدمه قانون اساسی برای اشاره به طیف جمعیتی انقلابیون، سه مرتبه «مردم مسلمان» و چهار مرتبه عنوان «ملت مسلمان» استعمال شده که نشان از توجه به عنصر ایمان مذهبی به عنوان محرک انقلاب اسلامی دارد و به علاوه نشانگر اکثریت قریب به اتفاق انقلابیون ایرانی است. یکبار نیز عبارت «ملتی هم‌کیش و هم‌فکر» به کار رفته است.

قرار داده است، قرینه خوبی بر این مدعا است.^۳ در حقیقت، دخیل دانستن عنصر «اطاعت سیاسی از امام» در تکوین «امت»؛ ما را به یک مطلب رو شنگر رهنمون می سازد. از آنجا که «ملت ایران» که اکثریت قاطع آنها مسلمان هستند بر مدار امامت و رهبری انسجام و تشکل یافته‌اند، «امت» مندرج در اصول یاد شده را (امت بالفعل) پدید می آورند. با این توضیح که مخاطب اصل ۵، آن جامعه سیاسی است که در فضای جمهوری اسلامی ایران تعریف می شود و آن جامعه سیاسی که مشمول ولایت و امامت قرار دارد، «امت ایران» به معنای یاشده است.

اما سخن در این است که اگرچه وجود «علقه میان آحاد مردم» در جامعه سیاسی برای شکل گیری رابطه سیاسی ضروری است، ولی این پیوند لزوماً از طریق تابعیت یا اصالت ایرانی تأمین نمی شود؛ گاه از طریق اقامت و گاه با همبستگی اعتقادی حاصل می شود.

اما برگزیدن این معنا (ملت مسلمان ایران) برای کلیدواژه «امت» در اصل ۵، نافی مسئولیت های جهانی و فراملی برآمده از اندیشه مکتبی دولت و جامعه اسلامی نسبت به سایر مسلمانان و مستضعفان و یا به معنای تقدم منافع ملی بر مصالح امت اسلامی نیست. بلکه مراد آن است که مردم ایران بر اساس «ایمان به مکتب اسلام» و به «رهبری پیشوای شیعی»، تصمیم گرفته‌اند روابط سیاسی - اجتماعی خود را، چه در داخل مرزها و چه فراتر از آن، در چارچوب مکتب پذیرفته خویش سامان دهند. لذا به نظر می رسد واژه «امت» در اصول

۳- می توان شواهد دیگری دال بر امت به معنای «ملت غالباً مسلمان» یافت. به عنوان نمونه، در حالی که امر به معروف و نهی از منکر، بر مبنای آموزه های قرآنی، متوجه مؤمنان نسبت به یکدیگر است، در اصل ۸، این وظیفه منحصرأ متوجه مسلمانان نشده و تکلیفی همگانی بر دوش همه مردم قرار داده شده است. افزون بر این، در مذاکرات مجلس بررسی نهایی پیرامون اصل ۸۴ (هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است...)، نائب رئیس مجلس در مقام تشریح مبنای اصل، بنیاد نمایندگی نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی را مسئولیت یکایک آحاد «امت» نسبت به سرنوشت جمعی بیان کرد (بهشتی، صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ج ۲: ص ۸۳۷) همچنین در بند ۵ از ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی، در تعریف سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی آمده است: «عدم رعایت قوانین و مقررات و شرایط در قراردادهایی است که بین دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی منعقد شده و موجب درآمد نام شروع شده باشد و یا این که در اثر اعمال نفوذ و روابط، معامله یا قراردادی برخلاف شرع و مصالح مسلم «امت اسلامی» انعقاد یافته باشد.»

۴- البته چنانچه شاخص تحقق اطاعت سیاسی از امام را از عناصر مؤلفه شکل گیری امت بدانیم، آنگونه که برخی اندیشمندان اسلامی بر آن تأکید داشتند، «امت» مندرج در اصل ۱۱، «امت بالقوه» خواهد بود که با تحقق نظام امامت واحد جهانی، «امت بالفعل» خواهد شد.

۵، ۵۷ و ۱۷۷ قانون اساسی، متناظر و یا دست کم بسیار نزدیک به مفهوم «ملت» در ادبیات رایج حقوق اساسی است.^۵ با این توضیح که محور بنیادین وحدت در این اجتماع سیاسی سازمان‌یافته که آن را از جوامع دیگر متمایز می‌کند، عنصر «ایمان و اعتقاد مذهبی» و «رهبری مکتبی» است. به عبارت دیگر افراد جامعه اسلامی با وجود سایر پیوندها و عناصر مشترک طبیعی و تاریخی و مانند آن، بر مبنای عنصر ایمان مذهبی و زعامت دینی گرد هم آمده‌اند.

بنابراین محور بنیادین اتحاد و احساس تعلق آحاد جامعه و مؤلفه اصلی زیربنای جامعه سیاسی ایران، «منافع ملی»، «مرز جغرافیایی بین‌المللی» و یا «تاریخ مشترک» نیست؛ بلکه مطابق موازین حقوق اساسی، عامل وحدت‌بخش اساسی این جامعه، که آن را از سایر جوامع متمایز می‌سازد عامل اعتقاد مذهبی و رهبری دینی است. البته این امر به معنای نفی تأثیر عوامل یا شده و یا وجود عناصری دیگر مانند زبان و خط رسمی و مشترک در تحکیم وحدت ملی نیست. اما به‌جمله‌بخش این معنا است که بدون دو عامل اساسی «اعتقاد مکتبی» و «امامت سیاسی»، ملت ایران در پهنه حقوق اساسی ایران قوام‌پذیر نیست.

۵- امت در اصول ۱۱ و ۱۰۹ منطبق بر همان معنای مألوف در اندیشه دینی بوده و مشتمل بر همه مسلمانان جهان، و از جمله «مسلمانان ایران»، بدون توجه به محل اقامت، نژاد، زبان، قومیت و سایر عوارض است.